گفت‌وگوی همدلی با «نوشین‌دخت صدیقی»، در صدوبیست‌وپنجمین زادروز استاد «ابوالحسن‌خان صدیقی»

# خالق مجسمه فردوسی به روایت فرزند

عکس: ستاز دریایی

**احمدرضا حجارزاده|** شروع فصل پاییز و نیمه‌ی مهرماه هر سال مصادف است با زادروز استاد «ابوالحسن‌خان صدیقی»، نخستین کسی که مجسمه و هنر مجسمه‌سازی را در ایران بنیان گذاشت تا نام فرهیختگان وطنش برای آیندگان همیشه زنده باشد، نام‌هایی نظیر ابن سینا، سعدی، فردوسی، حافظ، نادرشاه، یعقوب لیث، خیام و امیرکبیر از مهم‌ترین و مشهورترین شخصیت‌هایی‌اند که مجسمه‌ی آن‌ها توسط استاد صدیقی ساخته و در اقصی‌نقاط ایران و اروپا نصب شده‌اند. آثار به یادگارمانده از این استاد بزرگ، تا امروز جزو بهترین و زیباترین مجسمه‌های ایران بوده‌اند. استاد صدیقی روز ۱۳ مهرماه ۱۲۷۶ در تهران به دنیا آمدند. ایشان نقاش، طراح، عکاس و مجسمه‌ساز زبردست ایرانی و از شاگردان برجسته‌ی استاد کمال‌الملک بودند. استاد صدیقی،که بحق بنیانگذار هنر مجسمه‌سازی در ایران است، نخستین مجسمه‌اش (ونوس) را با الگوبرداری از مجسمه‌ی «ونوس دومیلو»، اواخر سال ۱۲۹۸ به پایان رساند.گرچه این استاد گران‌قدر پس از انقلاب ۵۷ چنان که باید قدر ندید و خیلی دیر درصدد تجلیل و معرفی او به هنردوستان افتادند، ولی تاخیر در گرامیداشت استاد صدیقی هم از جایگاه و هنر او نکاست. پس از درگذشت استاد صدیقی (آذرماه ۱۳۷۴)، فرزندشان خانم «نوشین‌دخت صدیقی» (نقاش و مجسمه‌ساز) نظارت و رسیدگی به امور هنری پدرشان را بر عهده گرفتند که تا امروز با دقت و شایستگی ادامه داشته است. صدوبیست‌وپنجمین سال‌روز تولد استاد صدیقی بهانه‌یی شد تا به خانه‌موزه‌ی کوچک استاد صدیقی سر بزنیم و با خانم نوشین‌دخت صدیقی درباره‌ی فعالیت‌های هنری استاد صدیقی بزرگ گپ‌وگفتی داشته باشیم.

* * *

**◄ خانم صدیقی، مجسمه‌هایی که پدرتان از زمان آموزش نزد کمال‌الملک می‌ساختند تا بعدها که به استاد این رشته تبدیل شدند، سفارشی بودند یا احساس و علاقه‌ی خودشان را به مجسمه تبدیل می‌کردند؟**

اوایل کار بنا بر احساس خودشان بود، یعنی زمانی که از مجسمه‌ی ونوس دومیلو شروع کردند. بعد که «فردوسی بر بال سیمرغ» و مجسمه‌های دیگر را ساختند، هیچ‌کدام سفارش کسی نبود. لابد خودشان به استاد کمال‌الملک گفته‌اند می‌خواهند مجسمه‌ی فردوسی را بسازند. حتا در افکار عمومی این تصورِ نادرست وجود دارد که کمال‌الملک اولین مجسمه‌ی فردوسی را ساخت! در حالی‌که این‌طور نیست. اولین مجسمه‌ی فردوسی را استاد صدیقی ساختند که در موزه‌ی هنرهای ملی قرار داشت؛ جایی که قدیم‌ها حوض‌خانه‌ی مدرسه‌ی کمال‌الملک بود و به عنوان آتلیه‌ی مجسمه‌سازی استفاده می‌شد. آن‌جا استاد صدیقی کار می‌کرد اما سفارش نمی‌پذیرفت، ولی امروز که عکس‌های آن مجسمه را می‌بینیم، هیچ عیب و ایرادی نمی‌توانیم بر آن بگذاریم؛ صورت و هیبت و تناسبش با یکدیگر همه درستند. ایشان تا وقتی که از اروپا برگشتند سفارش قبول نمی‌کردند. اگر هم قبول می‌کردند، مثلاً کمال‌الملک به او می‌گفت «بیا این یهودی سرگردان الیاس را بتراش». استاد صدیقی در پاریس که بودند، سفیر ایران در فرانسه (حسین علاء) هم با پدرم نسبتی داشت و هم خیلی به هنر علاقه‌مند بود، به همین دلیل پدر را خیلی حمایت کرد. خیلی از سفارش‌ها را اول آقای علاء به پدر داد، مثل ساختن مجسمه‌ی امیرکبیر (۱۳۱۰) برای سفارت، یا نیم‌تنه‌ی رضاشاه که الان در کاخ سبز سعدآباد است.

**◄ تعدادی از مجسمه‌هایی که استاد صدیقی ساخته‌اند، طی دهه‌های گذشته گم شده‌اند! از جمله مجسمه‌ی برنزی و سه‌متری ملک‌المتکلمین که سال‌هاست مفقود شده. شما خبری از سرنوشت این مجسمه دارید؟**

در واقع هم مجسمه‌ها گم شده‌اند و هم نقش‌برجسته‌ها. خیلی از کارهای استاد صدیقی، بخصوص مربوط به خاندان پهلوی، الان موجود نیست! در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه، مجسمه‌ی تمام‌قد رضاشاه بود که بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ با سنگ مرمر تراشیدند. خب این مجسمه‌ها کجا هستند؟! یا گم کرده‌اند یا جایی نگه داشته‌اند. هیچ‌کس هم جواب نمی‌دهد اما باید تاکید بکنم که مجسمه‌ی برنزی ملک‌المتکلمین، کار استاد صدیقی نیست. آن را استاد رحیم‌زاده‌ی ارژنگ ساخته و چه خوب شد که به آن اشاره کردید تا این اشتباه تاریخی رفع بشود. حتماً قید بکنید که آن مجسمه اثر پدرم نیست، ولی خب آن هم گم شده! غیر از مجسمه‌ی ملک‌المتکلمین، باید اشاره بکنم که دو مجسمه‌ی دیگر را هم اشتباهاً به پدرم نسبت می‌دهند اما باید تصحیح بکنم که این‌ها کار استاد صدیقی نیستند: مجسمه‌ی استاد ایرج محمدی در پارک ساعی و مجسمه‌ی برنز ایستاده‌ی امام‌قلی‌خان در قشم. البته شاید اگر با یک آدم جاه‌طلب روبه‌رو بودید، با افتخار می‌گفت «بعله، پدرِ من ساخته»! (می‌خندد). خلاصه این‌که از مجسمه‌های گم‌شده و مخفی‌شده هیچ اطلاعی نداریم.

**◄ استاد صدیقی مجسمه‌هایی زیادی هم در مجموعه‌ی شخصی خود دارند که اصلاً دیده نشده‌اند. فارغ از این‌که آن مجسمه‌ها، چهره‌های آشنایی ندارند و اغلب افراد خانواده و بستگان استاد هستند، آیا به لحاظ هنر مجسمه‌سازی، ارزش هنری دارند و می‌توانند برای علاقه‌مندان جذاب باشند؟!**

بله، می‌تواند جذاب باشد، ولی ببینید، ما پنج تا خواهر و برادر بودیم که دو نفرمان مانده‌اند. زمانی که آن سه فرزند دیگر هم زنده بودند، هیچ‌کدام مایل نبودند کارهای استاد صدیقی را عرضه بکنند اما من از اول می‌گفتم کارهای استاد صدیقی به درد خانه‌ی من نمی‌خورد. باید برود به موزه. من با مسوولان پیشین موزه‌ی هنرهای معاصر، پیش از سال ۸۸ که بزرگداشت استاد صدیقی را برگزار کردند، درباره‌ی این مجسمه‌ها حرف زدم.گفتند به درد ما نمی‌خورد! باید کارشناس بفرستیم. من می‌خواستم مجسمه‌ها را به موزه اهدا بکنم، چون در خانه‌ی من که باشند،کسی آن‌ها را نمی‌بیند. مگر دوست و آشنا و فامیل چه‌قدر به خانه‌ی من می‌آیند؟! ولی بچه‌های دیگر این خصلت را نداشتند.کارها را راحت نشان نمی‌دادند. من در تیرماه ۱۳۹۲ تعدادی از آثار باباجان را به موزه‌ی مکتب کمال‌الملک (موزه‌ی نگارستان) ارائه دادم که اصلاً آن موزه با کارهای استاد صدیقی افتتاح شد. من بیش از همه‌ی شاگردان کمال‌الملک اثر هنری به موزه دادم، ولی باز هم خیلی کار پیش خودم داشتم. تا این‌که آقای محسن ناصریان (نقاش و مجسمه‌ساز)، تصویر نقش‌برجسته‌ی پدر را ساختند و در مراسم بزرگداشت استاد صدیقی در هنرستان کمال‌الملک رونمایی کردند. پدرم مدتی رییس آن‌جا بود و مدرسه‌ی دخترانه را اداره می‌کرد. شاگردان آن مدرسه برای استاد صدیقی بزرگداشت گرفته بودند و هر کس کاری آماده بود. استاد ناصریان نقش‌برجسته و آقای جعفر نجیبی هم مجسمه ساخت. از آن زمان آقای ناصریان وارد زندگی هنری استاد صدیقی شد و خیلی سعی کرد که از دیگران یاری بخواهد، ولی موفق نشد. بعد آمدند و گفتند این اتاق خوب است که موزه بشود و با وسایل معمولی مثل کمد و میز و غیره، اتاق موزه را راه انداختیم. البته اوایل فقط اِسکن عکس‌ها را گذاشتیم، چون هنوز نمی‌دانستیم می‌خواهیم چه کار بکنیم. بعد یواش‌یواش ویترین گذاشتیم، درستش کردیم و حالت موزه پیدا کرد. الان اختیار این‌جا با خودم است، یعنی هیچ‌کدام از خواهر و برادرها حتا یک طرح کوچکِ بابا را پیشنهاد نکردند و من هم ازشان نخواستم. به عقیده‌ی آن‌ها بی‌احترامی نمی‌کنم، ولی عقیده‌ی من اینست که باید آثار استاد را در موزه گذاشت. این موزه را مخصوص چیزهایی کردم که خودم دارم. خب مجسمه‌ی میدان فردوسی و امیرکبیر که مالِ من نیست! اما این‌ها چیزهایی برای عموم است و من می‌توانم به نمایش بگذارم. دلیلی ندارد از خواهرم یا برادرم اجازه بگیرم. دیگر کوچولو کوچولو باقی چیزها هم پیدا شد. وقتی پدرم فوت کردند و خانه‌اش را فروختند، خیلی از اسباب‌های ایشان ناخواسته آمد پیش من. چمدان‌هایی که اسناد پدر در آن بود، یا نقش‌برجسته‌های که دیگران نمی‌خواستند. در نتیجه این‌جا را ساختیم. آقای ناصریان هم خیلی کمک کردند. ایشان مجسمه‌ساز و هنرمند جوانی هستند که فکرهای تازه دارند و می‌دانند باید الان چه چیزی را اسکن و چه چیزی را طراحی بکنند یا قالب بگیرند. آدم درستی هستند و من این‌جا را در اختیارشان گذاشتم. حتا بارها افرادی به من پیشنهاد کردند که وزارت ارشاد و انجمن مجسمه‌سازان کمک بطلبیم، ولی من و استاد ناصریان موافقت نکردیم. استاد صدیقی چنین آدمی نبود. خودش خانه‌اش را فروخت، چون مدام می‌گفتند این‌جا باید بشود آتلیه‌ی صدیقی اما استاد می‌گفتند از من هیچ‌چیز نباید بماند جز مجسمه‌هایم و هنرم. از این‌رو تَه دلم می‌گویم شاید استاد صدیقی دلش نخواهد من موزه‌یی به نام استاد صدیقی درست بکنم، ولی این‌جا متعلق به خودم است و درِ آن هم به روی همه باز است. اگر این‌جا را عمومی بکنم، می‌شود مثل خانه‌هایی که برمی‌دارند دو سه ماه به اسم این و آن می‌کنند، بعد به نام بازسازی و تعمیرات،کارش تمام می‌شود. بعد دیگر من صاحب همین‌ها هم نیستم.

با پژوهش محسن شریفیان

## آلبومی از موسیقی شمال بوشهر به بازار آمد

**همدلی|** مجموعه «موسیقی شمال بوشهر» مشتمل بر موسیقی شهرستان دیلم، بلوکات ایراوی و حیات داود با پژوهش و گردآوری محسن شریفیان پیش روی مخاطبان قرار گرفت. آلبوم پژوهشی «موسیقی شمال بوشهر» با تدوین و گردآوری محسن شریفیان مشتمل بر موسیقی شهرستان دلیم، بلوکات ای راوی و حیات داود از توابع شمالی استان بوشهر توسط موسسه ماهور منتشر شد. «یاریار۱» با نوازندگی نی جفتی مصطفی ظرافت، خوانندگی محسن بوعلی و تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «سرتراشون» با نوازندگی نی جفتی مصطفی ظرافت، تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «آقای ابوذر، حالو حالو ۱» با نی جفتی میلاد خواجه گیری، خوانندگی محسن بوعلی و تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «آی شیرین آی شیرین» با نی جفتی میلاد خواجه گیری، خوانندگی سید امیر محمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «حالو حال و۲» با جفنی محسن بوعلی، خوانندگی سید امیرمحمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «ای یار مبارک بادا» با خوانندگی سید امیرمحمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری عنوان قطعات بخش اول آلبوم هستند.در بخش دوم نیز آهنگ‌های «تیرمه، المان» با جفتی محسن بوعلی، خوانندگی سید امیرمحمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «مجنون شدم» با نی جفتی رحیم محمد پور، خوانندگی سید امیر محمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «جومه زرد» نی جفتی رحیم محمدپور، خوانندگی سید امیر محمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «یا لیل» با نوازندگی نی جفتی رحیم محمد پور خوانندگی سید امیر محمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «سوار کاری» با نوازندگی نی جفتی مصطفی ظرافت، «چوپی» با نی جفتی بامصطفی ظرافت خوانندگی سید امیر محمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «سرور» با نی جفتی رحیم محمدپور، خوانندگی محسن بوعلی و سید امیر محمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «یاریار ۲» با نوازندگی نی جفتی محسن بوعلی، خوانندگی با مصطفی ظرافت و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری، «خرپه گوش، ای داپه داپه» با نوازندگی نی جفتی محسن بوعلی، خوانندگی سید امیرمحمدی مطلق و نوازندگی تمبک ماشاالله اکبری و وحید اژدری در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است.محسن شریفیان پژوهشگر و نوازنده شناخته موسیقی

بوشهر که کار پژوهش این آلبوم موسیقایی را به عهده گرفته، درباره اثر نوشته است: در استان بوشهر موسیقی بلوکات حیات داود، و لیراوی در دو شهرستان گناوه و دیلم نسبت به دیگر مناطق آن بسیار متفاوت است و با توجه به حضور فعال نوازندگان شهرستان دیلم، این شهرستان منطقه مناسبی برای ضبط و معرفی این نوع موسیقی است.آواز یاریار به عنوان مهم‌ترین فرم آوازی و دواره ای و چوپی به عنوان برجسته‌ترین قطعات ریتمیک موسیقی دیلم که به آن بیدگونی هم گفته می‌شود، آغازگر موسیقی شادمانی و بزمی دیلم است. نام این قطعه از تکرار کلمه یاریار در ابتدای هر آواز آمده است. مطلعین محلی ریشه اشعار و آواز یاریار را از «شُلیل» بختیاری و نیز از مرسوم بودن آن در استان همسایه و لر نشین دیلم؛ کهگیلویه و بویراحمد می‌دانند. بعضی از ترانه‌ها و شیوه‌های موسیقی در بین مناطق مختلف لرنشین به صورت مشترک متداول است. قطعاتی مانند «چوپی» و «چهار دستمال»، ترانه‌های «اشکه» با تلفظ «هوشکله» و «خوشگله» و یا اجرای «یار یار» یا «بیدگونی»، «دی بلال» و «یار مبارک بادا» از این دست هستند. اقوام لُر بیشترین تعداد مهاجرین به استان بوشهر را تشکیل می‌دهند، حضور آن‌ها در مناطقِ دیلم، گناوه، دشتستان و دهستان انگالی در شهرستان بوشهر کاملاً مشهود است. بنابراین موسیقی شمال استان بوشهر و به صورت ویژه موسیقی شهرستان دیلم، با توجه به سیطره زبان و فرهنگ لری، روایتی متفاوت نسبت به جنوب شرق استان و مناطقی نظیر سیراف و کنگان دارد، همین طور با موسیقی مرکز استان یا بندر بوشهر نیز متفاوت است. ساز برجسته موسیقی دیلم نی جفتی است که به همراه تمبک نواخته می‌شود، انواع نی جفتی با نام‌ها و شکل‌های گوناگون در سراسر جهان وجود دارد، تنها در ایران می‌توان از دوزَله یا جُفتان در میان کردها، قُشمه در خراسان، نی جفته در خوزستان، کَلَم جفتی در هرمزگان و نی جفتی در بوشهر نام برد. نی جفتی دو عدد نی است که در کنار هم قرار رفته و به هم متصل شده‌اند، طول این ساز با توجه به بم یا زیر بودن آن، متغیر و معمولاً بین ۲۰ تا ۲۵ سانتی متر است. روی هرکدام از نی‌ها، شش سوراخ ایجاد شده و هریک از نی‌ها دارای قمیشی یک زبانه و مستقل از دیگری است که به آن «فیکک» می‌گویند. برای ایجاد زبانه بر روی قمیش آن را از بالا به پایین برش می‌دهند. به همین دلیل نخ تنظیم این ساز در پایین آن قرار دارد. نوازنده قبل از نواختن فیکک را خیس کرده تا انتها در دهان خود قرار می‌دهد و با دمیدن و تنفس از راه بینی به شکل «نفس برگردان» آن را به صدا در می‌آورد. باید تاکید کرد که بعضی از ترانه‌ها و شیوه‌های موسیقی در مناطق مختلف لرنشین به صورت مشترک متداول است. ضمن اینکه از مشخصات بارز موسیقیِ بزمی دیلم، شباهت ملودی‌ها و نوع نواختن جفتی به ساز کرنا و بعضاً سرنا در میان لرهای بختیاری و ترک‌های قشقایی تا جایی است که به وضوح تاکیدها و آرایه های ساز کرنا و سرنا در نواختن نی جفتی شنیده می‌شود. این موضوع در آثار قدیمی نوازندگان این منطقه بیشتر مشهود است. همین گونه تاثیرپذیری ریتم‌های مرسوم در موسیقی دیلم از دهل های رایج در موسیقی لری قابل تشخیص است. همچنین نباید تأثیر دریا و دریانوردی و نیز موسیقی بندری خوزستان و بوشهر و در نتیجه رواج نی انبان و ملودی‌های این ساز در موسیقی دیلم نادیده گرفت.بخش غالب موسیقی فعلی دیلم، موسیقی لری و بخش دیگر آن برداشتی از موسیقی قشقایی است و به نظر می‌رسد تاثیر ترک‌های قشقایی بر موسیقی شهرستان دیلم از یک سو به حضور مستقیم و فصلی آنها در این شهرستان و از سویی دیگر و به شکلی غیر مستقیم بر اساس حضور و همزیستی دیرین آنها در میان لرهای کهگیلویه وبویراحمد است.

دریچه

### جایزه کوروساوا برای «آلخاندرو اینااریتو» و «کوجی فوکادا»

**همدلی|** جشنواره فیلم توکیو اعلام کرد با اهدای جایزه آکیرا کوروساوا ۲۰۲۲ به آلخاندرو اینااریتو و کوجی فوکادا از این دو چهره سینمایی تجلیل می‌کند. به نقل از هالیوود ریپورتر، جشنواره فیلم توکیو پس از ۱۴ سال وقفه در اهدای جایزه کوروساوا که پیشتر به چهره‌هایی چون استیون اسپیلبرگ، یوجی یامادا و هو هسیا هسین اهدا شده بود، امسال ۲ چهره دیگر را به فهرست برندگان قبلی می‌افزاید. آلخاندرو گونزالس اینااریتو فیلمساز مولف مکزیکی و کوجی فوکادا کارگردان ژاپنی جایزه آکیرا کوروساوا را در سی‌و پنجمین دوره جشنواره فیلم توکیو که اواخر این ماه برگزار می‌شود دریافت می‌کنند. این جایزه به فیلمسازانی تعلق می‌گیرد که سهم خارق‌العاده‌ای در سینمای جهان دارند و انتظار می‌رود به آینده صنعت فیلم کمک کنند.برگزیدگان امسال را کمیته‌ای شامل یوجی یامادا کارگردان، تاتسویا ماکادی بازیگر سرشناس، میکو هارادا بازیگر کهنه‌کار، سابورو کاواموتو منتقد فیلم و شوزو ایجاما کارگردان، انتخاب کرده‌اند. این کمیته اعلام کرد جایزه امسال را به اینااریتو اهدا می‌کند زیرا وی از زمانی که با اولین فیلمش «عشق سگی» توجه جهانیان را به سینمای مکزیک جلب کرد، تا به امروز که جوایز زیادی را به دست آورده، همچنان خود را به شدت به چالش می‌کشد و با هر فیلمش سعی دارد تا چیز جدیدی را امتحان کند.جدیدترین فیلم اینااریتو با عنوان «باردو، تاریخ دروغین یک مشت حقیقت» که برای نخستین بار در جشنواره فیلم ونیز امسال به نمایش درآمد، در بخش جشن منتخب توکیو نمایش داده خواهد شد. وی با فیلم «عشق سگی» در سال ۲۰۰۰ برنده جایزه بزرگ جشنواره بین المللی فیلم توکیو شده بود و سال ۲۰۰۹ رییس هیات داوران بیست و دومین جشنواره توکیو بود. درباره فوکادای ۴۲ ساله، کمیته انتخاب فیلم‌های وی را به عنوان یک کارگردان جوان ژاپنی با آینده‌ای امیدوارکننده تحسین کرد و تاثیر پرانرژی او را بر صنعت، فراتر از فیلمسازی خواند.فیلم «هارمونیوم» فوکادا در بخش نوعی نگاه شصت و نهمین جشنواره فیلم کن در سال ۲۰۱۶ به نمایش درآمد و جایزه هیات داوران را از آن خود کرد. وی یکی از کارگردان‌های جوان مولف ژاپنی در صحنه بین‌المللی است و در فعالیت‌هایی فراتر از پشت دوربین شرکت داشته که ابتکار «کمک به سینماهای کوچک» با همراهی کارگردانان دیگر از جمله برنده اسکار ریوسکه هاماگوچی، که هدف آن جلوگیری از فروپاشی سینماهای هنری ژاپن پس از شرایط بحران مالی در حین پاندمی بود، از جمله آنهاست. جدیدترین فیلم فوکادا با عنوان «عشق زندگی» در جشنواره فیلم ونیز امسال با تحسین منتقدان روبه‌رو شد.مراسم اهدای جایزه آکیرا کوروساوا شنبه ۲۹ اکتبر خواهد بود. سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم توکیو از ۲۴ اکتبر تا ۲ نوامبر (۲۹ مهر تا ۶ آبان) برگزار می‌شود.

در قالب نسخه ترمیم‌شده

### «دونده» پس از ۳۸ سال روی پرده می‌رود

**همدلی|** سینماهای آمریکا شاهد اکران دوباره نسخه ترمیم‌شده‌ای از فیلم سینمایی «دونده» ساخته امیر نادری خواهند بود. به نقل از یاهو نیوز، فیلم «دونده» ساخته امیر نادری و محصول سال ۱۹۸۴ است که از بازی مجید نیرومند در آن به عنوان یکی از بهترین بازی‌های کودکان در تمام تاریخ سینما یاد می‌شود، دوباره روی پرده می‌رود. نسخه ترمیم شده این فیلم قرار است ۲۸ اکتبر در انجمن فیلم آمریکا به نمایش درآید و تا ۱۰ نوامبر نیز روی پرده باشد. امیر نادری و مجید نیرومند نیز در نمایش فیلم حضور خواهند داشت. «دونده» داستان یک پسر یتیم ۱۱ ساله با بازی مجید نیرومند است که به تنهایی در یک تانکر متروکه در شهر بندری آبادان زندگی می‌کند و با فروش آب، برق انداختن کفش مردم و غواصی برای بیرون کشیدن بطری‌های خالی زندگی می‌کند. او مجبور است زورگویی بزرگسالان و دیگر بچه‌های بزرگ‌تر از خودش را تحمل کند، اما با دویدن همیشگی و دیدن خواب کشتی‌های باری و هواپیماهای در حال پرواز آرامش می‌یابد. این فیلم که قابل مقایسه با فیلم‌هایی چون «واکسی» و «دزد دوچرخه» ویتوریو دسیکا، «فراموش شدگان» لوییس بونوئل و «۴۰۰ ضربه» فرانسوا تروفو است، ماجراهای کودکی را با عناصر نئورآلیستی تصویر می‌کند. فیلم که اولین بار در جشنواره فیلم ونیز و لندن به نمایش درآمد، تا سال ۱۹۹۱ در آمریکا اکران نشد.نادری که متولد آبادان است کارش را به عنوان عکاس فیلم‌های ایرانی آغاز کرد و اولین فیلم بلندش را سال ۱۹۷۱ با نام «خداحافظ رفیق» تجربه کرد. «انتظار» در سال ۱۹۷۴ و «آب، باد، خاک» محصول ۱۹۸۹ دیگر فیلم‌های وی پیش از مهاجرت وی در سال ۱۹۹۰ به نیویورک هستند. «منهتن از روی شماره»، «آ.ب.ث... منهتن»، «ماراتون»، «دیوار صوتی» و «وگاس: بر اساس داستان واقعی» و «کات» دیگر فیلم‌های وی هستند.

رویداد

سعید حسنلو؛ کارگردان نمایش «سوم ماه می»:

### مخاطب حس و حال تئاتر دیدن ندارد

**همدلی|** سعید حسنلو کارگردان نمایش «سوم ماه می» عنوان کرد تا مساعد شدن شرایط و فراهم آمدن امکان تبلیغ برای تئاتر ترجیح می‌دهد این اثر نمایشی به صحنه نرود.سعید حسنلو کارگردان نمایش «سوم ماه می» که در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه بود درباره وضعیت اجراهای این اثر نمایشی به خبرنگار مهر گفت: متاسفانه بعد از ۵ روز که از اجرای نمایش «سوم ماه می» گذشت به دلیل شرایط موجود اجرای ما متوقف شد و هفته بعد از آن هم که دو سه اجرا رفتیم با شرایط نامساعد و کمبود مخاطبان روبرو شدیم از این رو من ترجیح دادم اجرای کار را منوط به بهتر شدن شرایط کنم.او ادامه داد: با توجه به محدودیت‌های اینترنتی و پایین بودن سرعت اینترنت فضایی برای تبلیغات آثار نمایشی فراهم نیست از طرف دیگر تماشاگران هم حس و حال دیدن تئاتر ندارند و هفته گذشته هم که بلیت فروشی نمایش را باز کردیم مخاطب کمی اقدام به خرید بلیت کرد. این بی میلی مخاطبان نه تنها برای نمایش ما بلکه برای دیگر آثار نمایشی هم به وجود آمده است.این طراح صحنه و کارگردان تئاتر با اشاره به تعداد زیاد عوامل گروه عنوان کرد: این نمایش نزدیک به ۳۰ نفر عوامل و ۱۳ بازیگر دارد و با قطع بودن شبکه‌های اجتماعی امکان اطلاع رسانی و هماهنگی سخت می‌شود و من به عنوان کارگردان نیز برای اعضای گروهم احساس خطر می‌کنم چون ممکن است در مسیر آمدن به تماشاخانه آسیب ببینند که همین مساله شامل حال تماشاگران هم می‌شود چون در آخرین اجرایی هم که داشتیم نصف تماشاگران نتوانسته بودند خودشان را به سالن برسانند.حسنلو یادآور شد: من از سال ۹۸ در نوبت اجرا بودم و برای روی صحنه بردن این اثر نمایشی نیز تمرین‌های طولانی مدتی و سختی را پشت سر گذاشتیم. برای اجرا در تماشاخانه ایرانشهر هم انگیزه و اشتیاق بالایی داشتم و متاسفم که شرایط به گونه‌ای رقم خورده که فعلاً فضا برای اجرای این نمایش و دیگر آثار نمایشی فراهم نیست.او در پایان صحبت‌هایش درباره ویژگی‌های نمایش توضیح داد: «سوم ماه می» با نگاهی به داستان کوتاه «گیرنده شناخته نشد» با ترجمه بهمن دارالشفایی به نگارش درآمده است و داستان ۲ رفیق قدیمی و همکار را به تصویر می‌کشد که یکی از آنها آمریکایی و دیگری یهودی است اما با به قدرت رسیدن هیتلر در ۱۹۳۹ رابطه این ۲ نیز دچار تنش می‌شود و در نهایت به یک فاجعه می‌انجامد. در واقع نمایش به این مساله می‌پردازد که جنگ می‌تواند یک رابطه برادری را از بین ببرد و آن را تبدیل به دشمنی کند.مجتبی پیرزاده، الهه افشاری، روژین صدرزاده، فاطیما بهارمست، پاشا رستمی، مهناز کرباسچیان، امیر نوروزی، فرانک کلانتر، مینا زرنانی، اشکان دلاوری، سهیل ساعی، توحید نوروزی، وحید منتظری بازیگران نمایش «سوم ماه می» هستند.

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری خبر داد

### افتتاح سه هنرستان جدید هنرهای زیبا در سال جدید

**همدلی|** مدیرکل دفتر برنامه ریزی و آموزش های هنری از اضافه شدن سه هنرستان هنرهای زیبا به تعداد هنرستان های کشور در آغاز سال تحصیلی جدید خبر داد. به نقل از روابط عمومی دفتر برنامه ریزی و آموزش‌های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ محمد حسین اسماعیلی مدیرکل دفتر برنامه ریزی و آموزش‌های هنری گفت: با توجه به سیاست توسعه‌ای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه هنرستان‌های هنرهای زیبا و مراکز آموزش هنری در دوره جدید و تأکیدات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت امور هنری در این راستا مقرر گردید در هر استان حداقل دو هنرستان هنرهای زیبای پسرانه و دخترانه ایجاد شود. اسماعیلی افزود: در جهت عملیاتی کردن این سیاست، از ابتدای دولت سیزدهم ۹ هنرستان جدید در استان‌های مختلف تأسیس شده بود و در ابتدای سال تحصیلی جدید نیز ۳ هنرستان دیگر به مجموعه هنرستان‌های هنرهای زیبا در کشور اضافه شد که هنرستان هنرهای زیبای دختران اهواز و هنرستان هنرهای زیبای خرم آباد و هنرستان هنرهای زیبای پسرانه کاشان ۳ هنرستانی هستند که از مهرماه سالجاری همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، فعالیت خود را آغاز کردند. با شروع به کار این ۳ هنرستان جدید، از ابتدای دولت سیزدهم تا کنون تعداد ۱۲ هنرستان جدید تأسیس شده که یک رکورد در راه اندازی هنرستان‌های هنرهای زیبا محسوب می‌شود.مدیرکل دفتر برنامه ریزی و آموزش‌های هنری تصریح کرد: در حال حاضر تعداد هنرستان‌های هنرهای زیبا در کل کشور به ۶۰ باب رسیده و با پیگیری‌های صورت گرفته انشاالله در سال‌های آتی روند توسعه کمی و کیفی هنرستان‌ها تداوم خواهد یافت.اسماعیلی تأکید کرد: توسعه رشته‌های هنری در هنرستان‌ها نیز در دستور کار قرار دارد و در سال تحصیلی جدید ۱۱ رشته در حوزه‌های موسیقی، گرافیک، نقاشی و پویا نمایی در هنرستان‌های هنرهای زیبا راه اندازی شده است.